

لازاروس از بیت عنیا ، برادر مارتا و دوست عیسی مسیح ، بیمار است .
مارتا فرستاده ای را نزد عیسی می فرستد تا به او اطلاع دهد که لازاروس بیمار است . مارتا امیدوار است که عیسی بیاید و از قدرت درمانی خود برای بهبود دوباره لازاروس استفاده کند . اما عیسی نمی آید . بنابراین لازاروس می میرد و در غاری دفن می شود . چهار روز پس از مرگ لازاروس ، عیسی به بتانی می رسد . مارتا و عیسی با یکدیگر صحبت می کنند :

لعازر من بیت عنیا ، شقیق مارتا و صدیق یسوع ، مریض .
ترسل مرثا رسولاً إلی یسوع لتخبره أن لعازر مریض .
تأمل مارتا أن یأتي یسوع ویستخدم قواه الشافیة لیشفی لعازر .
لكن یسوع لن یأتي .
فمات لعازر ودفن فی مغارة .
لم یأتي یسوع إلی بیت عنیا حتی یبقی لعازر فی القبر لمدة أربعة أيام . مارتا ویسوع يتحدثان بعضهما البعض :

21. مارتا به عیسی گفت: «سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد.»

22. اما می‌دانم که هم‌اکنون نیز هر چه از خدا بخواهی، به تو خواهد داد.»

23. عیسی به او گفت: «برادرت بر خواهد خاست.»

24. مارتا به او گفت: «می‌دانم که در روز قیامت بر خواهد خاست.»

21. فَقَالَتْ مَرْثَا لِيَسُوعَ: «يَا سَيِّدُ، لَوْ كُنْتُ هَهُنَا لَمْ يَمُتْ أَخِي! 22. لَكِنِّي أَلَانَ أَيْضًا أَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ مَا تَطْلُبُ مِنَ اللَّهِ يُعْطِيكَ اللَّهُ إِيَّاهُ.»

23. قَالَ لَهَا يَسُوعُ: «سَيَقُومُ أَخُوكَ.»

24. قَالَتْ لَهُ مَرْثَا: «أَنَا أَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَقُومُ فِي الْقِيَامَةِ، فِي الْيَوْمِ الْأَخِيرِ.»

25. عیسی گفت: «قیامت و حیات منم. آن که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد.»

26. و هر که زنده است و به من ایمان دارد، بهیقین تا به ابد نخواهد مرد؛ آیا این را باور می‌کنی؟»

27. مارتا گفت: «آری، سرورم، من ایمان آورده‌ام که تویی مسیح، پسر خدا، همان که باید به جهان می‌آمد.»

25. قَالَ لَهَا يَسُوعُ: «أَنَا هُوَ الْقِيَامَةُ وَالْحَيَاةُ. مَنْ آمَنَ بِي وَلَوْ مَاتَ فَسَيَحْيَا،

26. وَكُلُّ مَنْ كَانَ حَيًّا وَآمَنَ بِي فَلَنْ يَمُوتَ إِلَى الْأَبَدِ. أَتُؤْمِنِينَ بِهَذَا؟»

27. قَالَتْ لَهُ: «نَعَمْ يَا سَيِّدُ. أَنَا قَدْ آمَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ، الْآتِي إِلَى الْعَالَمِ.»

كثير من الناس يكون
على لعازر.

كما يبكي يسوع أيضًا
على صديقه الميت الذي
أحبه كثيرًا. لكن يسوع لا
يريد أن يدع الموت
يتحكم بلعازر.

يسوع غاضب من الموت

بسياري از مردم برای
لازاروس گریه می کنند.

عیسی همچنین برای
دوست مرده خود که او را
بسیار دوست داشت می
گریه. اما عیسی نمی
خواهد مرگ را بر
لازاروس کنترل کند. عیسی
از مرگ عصبانی است.

38. سپس عیسی، باز در حالی که برآشفته بود، بر سر قبر آمد. قبر، غاری بود که بر دهانه‌اش سنگی نهاده بودند.

39. فرمود: «سنگ را بردارید.»
مارتا خواهر متوفا گفت:
«سرورم، اکنون دیگر بوی ناخوش می‌دهد، زیرا چهار روز گذشته است.»

40. عیسی به او گفت: «مگر تو را نگفتم که اگر ایمان آوری، جلال خدا را خواهی دید؟»

38. فَأَنْزَعَهُ يَسُوعُ أَيْضًا فِي نَفْسِهِ وَجَاءَ إِلَى الْقَبْرِ، وَكَانَ مَغَارَةً وَقَدْ وُضِعَ عَلَيْهِ حَجْرٌ.

39. قَالَ يَسُوعُ: «أَرْفَعُوا الْحَجْرَ!». قَالَتْ لَهُ مَرْثَا، أُخْتُ الْمَيِّتِ: «يَا سَيِّدُ، قَدْ أَنْتَنَ لِأَنَّ لَهُ أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ».

40. قَالَ لَهَا يَسُوعُ: «أَلَمْ أَقُلْ لَكَ: إِنْ آمَنْتِ تَرِينَ مَجْدَ اللَّهِ؟».

41. پس سنگ را برداشتند. آنگاه عیسی به بالا نگریست و گفت: «پدر، تو را شکر می‌گویم که مرا شنیدی.

42. من می‌دانستم که همیشه مرا می‌شنوی. اما این را به‌خاطر کسانی گفتم که در اینجا حاضرند، تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای.»

43. این را گفت و سپس به بانگ بلند ندا درداد: «ایلعازر، بیرون بیا!»
44. پس آن مرده، دست و پا در کفن بسته و دستمالی گرد صورت پیچیده، بیرون آمد. عیسی به ایشان گفت: «او را باز کنید و بگذارید برود.»

41. فَرَفَعُوا الْحَجَرَ حَيْثُ كَانَ الْمَيِّتُ مَوْضُوعًا، وَرَفَعَ يَسُوعُ عَيْنَيْهِ إِلَى فَوْقِ، وَقَالَ: «أَيُّهَا الْأَبُّ، أَشْكُرُكَ لِأَنَّكَ سَمِعْتَ لِي،

42. وَأَنَا عَلِمْتُ أَنَّكَ فِي كُلِّ حِينٍ تَسْمَعُ لِي. وَلَكِنْ لِأَجْلِ هَذَا الْجَمْعِ الْوَاقِفِ قُلْتُ، لِيُؤْمِنُوا أَنَّكَ أَرْسَلْتَنِي.»

43. وَلَمَّا قَالَ هَذَا صَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «لِعَازِرُ، هَلُمَّ خَارِجًا!»

44. فَخَرَجَ الْمَيِّتُ وَيَدَاةُ وَرِجْلَاهُ مَرْبُوطَاتٍ بِأَقْمِطَةٍ، وَوَجْهُهُ مَلْفُوفٌ بِمِنْدِيلٍ. فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «حُلُّوهُ وَدَعُوهُ يَذْهَبُ.»

1. من نگران موضوع "بحران" هستم. همه گیری کرونا هنوز تمام نشده است. ما تنها در صورتی از موج بد 4 در امان خواهیم بود که همه افرادی که هنوز واکسینه نشده اند بتوانند به سرعت واکسینه شوند. آنچه در حال حاضر در افغانستان اتفاق می افتد بسیاری را می ترساند، نه فقط مردم افغانستان بلکه همینطور کشورهای همسایه را. چگونه ممکن است کشوری که در آن دختران و زنان به مدرسه و دانشگاه می رفتند اکنون به قرون وسطی برگشته اند؟ چگونه ممکن است در قرن بیست و یکم زنان اجازه خروج از خانه را نداشته باشند یا فقط اجازه داشته باشند با پوشش کامل بیرون از خانه بیایند؟

1. أنا مشغول بموضوع "الأزمة". جائحة كورونا لم تنته بعد. سننجو من الموجة الرابعة السيئة فقط إذا أمكن تطعيم كل من لم يتم تطعيمه بعد بسرعة.

ما يحدث في أفغانستان الآن يخيف الكثيرين ، وليس فقط الأشخاص من أفغانستان والبلدان المجاورة. كيف يمكن لدولة ذهبت فيها الفتيات والنساء إلى المدرسة والجامعة أن تُجبر الآن على العودة إلى العصور الوسطى؟ كيف يعقل أنه في القرن الحادي والعشرين لا يُسمح للنساء بمغادرة المنزل أو يُسمح لهن فقط بالانتقال إلى الخارج وهم منتقبات؟

2. یک هفته دیگر انتخابات عمومی برگزار می شود و این مسئله موضوعات زیادی را درگیر کرده است. یک موضوع زندگی ما را در دهه های آینده تعیین می کند و زندگی ما را زیر و رو می کند: بحران آب و هوا. بازسازی کشور ما به شیوه ای مناسب برای بهتر شدن اقلیم یک کار بزرگ خواهد بود. منازعات و بحران ها با این تجدید ساختار همراه خواهند بود. برای همه ما بسیار مهم است که تغییرات مهمی در سبک زندگی خود ایجاد کنیم. موضوع بعدی چالش ها یا مشکلات شخصی هستند. آیا هنوز می توان جهان را نجات داد؟

2. هناك انتخابات عامة في غضون أسبوع. هناك العديد من الموضوعات المعنية. سيحدد موضوع واحد حياتنا في العقود القادمة ويقلب حياتنا رأسًا على عقب: أزمة المناخ. إن إعادة بناء بلدنا بطريقة صديقة للمناخ ستكون مهمة ضخمة. وستصاحب إعادة الهيكلة هذه الصراعات والأزمات. سيكون من الصعب جدًا علينا جميعًا إجراء تغييرات كبيرة في نمط حياتنا. ثم هناك تحديات أو مشاكل شخصية. هل لا يزال من الممكن إنقاذ عالمنا على الإطلاق؟

3. از جمله ای که تیان در هنگام غسل
تعمید به من گفت ، دلگرم می شوم.
"هرکسی که می گوید دیگر نمی توان این
جهان را نجات داد، فراموش کرده است که
منظور امیدواری بچه ها است!" هرکسی که
به عنوان والدین، پدربزرگ و مادربزرگ با
کودکان در ارتباط است می تواند در این
زمینه مشترک شود. کودکان به معنای امید
هستند و هنوز می توان این جهان را نجات
داد. بله، وقتی ما بزرگسالان در اخبار دنیای
خود غرق می شویم، می توانیم با لبخندها
و بازیهای کودکانی که به سادگی زندگی
می کنند(به این معنا که بدون دغدغه فکری
زندگی می کنند) خود را دلداری دهیم.

3. لقد شجعتني الجملة التي قالها لي
الاخ تيان أثناء المعمودية. "أي
شخص يقول أنه لم يعد من الممكن
إنقاذ هذا العالم، قد نسي أن الأطفال
يعنون الأمل!" يمكن لأي شخص لديه
اتصال مع الأطفال كأباء أو أجداد أو
بأي طريقة أخرى الاشتراك في هذا.
الأطفال يعنون الأمل ولا يزال من
الممكن إنقاذ هذا العالم. نعم ، عندما
تغمرنا أخبار عالمنا نحن البالغين ،
يمكننا أن نشعر بالارتياح من ابتسامات
الأطفال الذين يعيشون ببساطة (بمعنى:
الذين يعيشون دون تفكير كثيرًا)

4. اگر شما تحت فشار های بسیاری قرار دارید و به خاطر آن لاغر شده اید و عصبی هستید، رحمت برای خودتان برای شما مفید خواهد بود. در این صورت شما به استراحت بیشتر، مراقبت بیشتر از خود و توجه بیشتر نیاز دارید. در این شرایط، بدن من به چه شکستگی ها و آرامش هایی نیاز دارد تا نیروی جدیدی را به خود جلب کند؟ کجا میبایست بعضی مسائلی را که برای من ضرر دارند کنار بگذارم؟ چگونه می توانم برای خود و همسایگانم کار خوبی انجام دهم؟

4. إذا كنت غارقاً في الكثير من الضغوطات ، إذا كنت متوتراً وعصبي بسبب ذلك ، فإن الراحة لنفسك مفيدة. ستحتاج بعد ذلك إلى مزيد من الراحة ، والمزيد من العناية بنفسك ، والمزيد من اليقظة. في هذه الحالة ، ما هي فترات الراحة والاسترخاء التي يحتاجها جسدي من أجل اكتساب قوة جديدة؟ أين يجب أن أتخلى عن أشياء معينة ليست في صالحني؟ كيف يمكنني أن أفعل شيئاً جيداً لنفسي - وجيراني؟

5. جملات کتاب مقدس به من در بحران هایی که در آنها نمی دانم چه چیزی دوام خواهد آورد و چه چیزی در این جریان تغییر خواهد کرد کمک می کنند. به عنوان مثال این جمله از عبرانیان 12: "آنچه می تواند متزلزل شود زیرا که ایجاد شده است، برداشته می شود. این تنها چیزی است که نمی توان آن را متزلزل کرد." (عبرانیان 12، 27) من اعتقاد ندارم که ما به پایان جهان نزدیک میشویم.

5. تساعدني ايات الكتاب المقدس في الأزمات التي لا يعرف فيها المرء ما الذي سيبقى وما الذي سيمزقة تيار التغيير. على سبيل المثال ، عبرانيين 12: "فقوله «مرة أيضا» يدل على تغيير الأشياء المتزعزعة كمصنوعة، لكي تبقى التي لا تتزعزع." (عب 12: 27) انا لا أعتقد أن نهاية العالم قريبة

6. اما در مواقع بحرانی، زمانی که چیزهای زیادی سست می شوند، به من کمک می کند تا چیزی را که نمی تواند متزلزل شود، برای خود نگاه دارم.

بله، خدا ما را در این جهان نامطمئن قرار می دهد و در عین حال شخصی را برای ما می فرستد که "نمی تواند متزلزل شود". این کسی که نمی تواند متزلزل شود و می توانیم او را نگه داریم در کتاب مقدس نامی دارد: عیسی.

6. لكن في أوقات الأزمات ، عندما يهتز الكثير ، يساعدي ذلك على التمسك بما لا يمكن تغييره.

نعم ، يضعنا الله في هذا العالم المجهول وفي نفس الوقت يرسل لنا شخصًا "لا يمكن أن يتزعزع او يهتز". هذا الشخص الذي لا يمكن أن يتزعزع ، والذي يمكننا التمسك و الوثوق به ، له اسم في الكتاب المقدس: هو يسوع

7. همه چیز می تواند تغییر کند،
متزلزل شود، ناپدید شود اما طبق
اعتقاد ما تنها عیسی مسیح
میتواند پایدار بماند. عیسی می
تواند در بحران به ما کمک کند
زیرا دو طرف را به هم متصل می
کند. عیسی ضعیف و پایین است
و به همین دلیل است که می تواند
به ما کمک کند. و همینطور
عیسی قوی است و در صدر است
و بنابراین می تواند به ما کمک
کند.

7. كل شيء يمكن أن يتغير ،
يهتز ، يختفي. فقط بالایمان
، هذه هي الحقيقة الوحيدة
التي لا يمكن ان تتغير. يمكن
أن يساعدنا يسوع في الأزمة
لأن له جانبين. إن يسوع
متضع و قريب منا ولهذا
يمكنه مساعدتنا. ويسوع
قوي وهو في القمة ويمكنه
بالتالي أيضا مساعدتنا

8. عیسی ضعیف است و او به پایین آمده است. " زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجربه دید استطاعت دارد که تجربه شدگان را اعانت فرماید. (عبرانیان 2، 18) وقتی استرس دارم، احساس ضعف می کنم و احساس می کنم مضطرب هستم، عیسی برای من وجود دارد که خود دچار رنج و مرگ شد و فریاد زد: خدایا خدایا، چرا مرا تنها گذاردی؟

(مرقس 15، 34)

8. یسوع ضعیف و هو محبط. "لأنه في ما هو قد تالم مجرباً يقدر ان يعين المجربين. (عبرانیان 2: 18). عندما أكون متوتراً، أشعر بالضعف و "الإحباط"، هناك يسوع، الذي جاء ليعاني ومات، صرخ: "إلهي، إلهي، لماذا تركتني؟" (مرقس 15، 34)

9. عیسی از روی عشق به من همه چیز داد و رنج، گناه و مرگ را بر دوش خود گرفت. وقتی احساس می کنم خدا را رها کرده و بدون چاره هستم، وقتی می خواهم گریه کنم یا فریاد بزنم، او آنجاست. او به عنوان کسی است که بالای همه چیز زمینی معلق نیست بلکه با من پایین است. بسیار نزدیک به گریه یا فریاد من ، استرس یا ناراحتی من. این است که عیسی می تواند به من کمک کند.

9. بدافع الحب لي ، أعطى يسوع كل شيء ، وتحمل المعاناة والخطيئة والموت على عاتقه. إنه موجود عندما أشعر بالضيق والبؤس ، وعندما أريد البكاء أو الصراخ.

إنه موجود كمشخص لا يحوم فوق كل شيء أرضي ، ولكنه في الأسفل معي - قريب جدًا من بكائي أو صراخي ، من ضغوطتي أو حزني. هذه هي الطريقة التي يمكن أن يساعدني بها يسوع المتضع

10. عیسی ضعیف و پایین است،
اما او همچنین قوی و در صدر
است. ترسان مباش؛ من هستم
اول و آخر و کسی که زنده است.
و مرده شدم؛ و اینک، تا ابدالآباد
زنده هستم؛ و کلیدهای موت و
عالم اموات نزد من است.

(مکاشفه ی یوحنا 17-18، 1)
این عیسی است که لازاروس را
از مرگ زنده کرد، که از مرگ
قوی تر است و حتی مرگ با او
نمی تواند به ما آسیب برساند.

10. یسوع متضع و قریب منا ،
لکنه أيضًا قوی و عالی. "لا
تخف، انا هو الاول والآخر،
18 والحي. وکنت میتا، وها انا
حي الى ابد الابدین! امین. ولي
مفاتيح الهاوية والموت.
" (رؤیا 1، 17، و 18) هذا هو
یسوع ، الذي أقام لعازر من
الموت ، وهو أقوى من الموت
والذي به حتى الموت لا يمكن
أن يؤذينا.

11. عیسی قوی و در صدر است. او کسی است که محکم می ایستد و تاج جلال الهی اش نمی تواند از سرش بیفتد. و به همین دلیل است که تاج از سر ما نیز نمی تواند بیفتد، زیرا ما از طریق عیسی فرزندان پادشاه هستیم، فرزندان خدا. به من شخصا وقتی احساس ضعف میکنم عیسی مسیح کمک میکند. سپس در کسی که از من برتر است و هر چیزی که بر من سنگینی می کند پنهان می شوم. من در کسی پنهان می شوم که مرا دوست دارد، از من حمایت می کند و در هنگام ضعف من، مرا بالا می برد.

11. سيقول الكثير ما فائدة تغيير حياتنا - وفي أجزاء أخرى من العالم مثل أفغانستان يكون الوضع أسوأ بكثير. لكن يسوع "الذي لا يترزعزع" موجود في كل مكان. أولئك الذين يتمسكون به سيأخذهم يسوع من أيديهم. يمكنك بكل ثقة أنواجه الأزمات. مع يسوع لدي هوية آمنة ، أعرف من أنا ولمن أنتمي.

12. چیزهای زیادی خواهد آمد که زندگی ما را تغییر دهند و در دیگر نقاط جهان مانند افغانستان این بسیار شکل بدتری دارد. اما عیسی مسیح ، "که نمی توان او را متزلزل کرد" ، همه جا هست. کسانی که عیسی را در کنار خود نگه می دارند دستشان توسط او گرفته خواهد شد. با دست او می توانم با اطمینان بحران ها را پشت سر بگذارم. با عیسی من هویتی مطمئن دارم، می دانم که هستم و به چه کسی تعلق دارم.

12. ولكن حتى ذلك الحين ، فإن أشياء كثيرة ليست سهلة. لكن يسوع أرسل لي روحه القدوس من أجل هذا العالم غير الآمن. يمنحني يسوع القوة والطاقة والصبر على المشاكل التي تبدو غير قابلة للحل. مع يسوع و الروح القدس، و بقوته ، يمكنني القتال والتغلب على العقبات وتحقيق الكثير في هذا العالم. حتى لو كنت أعيش في وقت أزمة ، فأنا قوي مع يسوع.

13. اما حتی در آن صورت، بسیاری از کارها آسان نیست. اما عیسی روح مقدس خود را برای این جهان نامطمئن برای من می فرستد. عیسی به من قدرت، انرژی و صبر برای مقابله با مشکلات ظاهراً حل نشدنی می دهد. با عیسی و روح او، با قدرت او من می توانم بجنگم، بر موانع غلبه کنم و در این دنیا به موفقیت های زیادی دست یابم. حتی اگر در زمان بحران زندگی کنم، با عیسی من قوی هستم.

13. ولكن حتى ذلك الحين ، فإن أشياء كثيرة ليست سهلة. لكن يسوع أرسل لي روحه القدس في هذا العالم غير المؤكد. يمنحني يسوع القوة والطاقة والصبر للتعامل مع المشكلات التي تبدو مستعصية على الحل. مع يسوع وروحه ، بقوته ، يمكنني القتال والتغلب على العقبات وتحقيق أشياء عظيمة في هذا العالم. حتى لو كنت أعيش في وقت أزمة ، فأنا قوي مع يسوع.

14. ما مانند دیگر مردم از بحران ها عبور می کنیم. ما نیز آسیب پذیر و فانی هستیم، می توانیم متزلزل شویم. اما ما به کسی متصل هستیم که آسیب پذیر و تزلزل ناپذیر است و همچنین به ما موجودات آسیب پذیر اجازه می دهد در طبیعت تزلزل ناپذیر او شریک باشیم. بنابراین ما سست شده ایم و به لطف عیسی هنوز می توانیم تزلزل ناپذیر باشیم. از طریق او ما قدرت می گیریم که در این دنیای نامعلوم زندگی کنیم، بر مشکلات غلبه کنیم و محکم بایستیم ، آمین.

14. نحن نمر بأزمات مثل الآخرين. نحن أيضاً ضعفاء وفانون ، يمكن أن نتزعزع. لكننا مرتبطون بالشخص الذي كان متضعا و كانه ضعيف ، ولن يتزعزع - بفضل يسوع - يمكننا ان نكون ثابتين و لا نتزعزع. بواسطة نمته القوه للعيش في هذا العالم الغير آمن ، للتغلب على المشاكل والوقوف بثبات آمين.